

کتاب ملاکی نبی

مقدمه

ملاکی نبی حدود پنجصد
سال قبل از میلاد مسیح
زندگی می کرد.

کتاب ملاکی نبی بعد از
تکمیل شدن اعمار مجدد
عبادتگاه در اورشلیم نوشته
شده است. با وجود آن که

عبادتگاه تکمیل شده بود،
مردم و حتی کاهنان نسبت به
عبادت و پرستش خداوند
تنبل شده بودند. ملاکی
کسانی را که صادقانه خداوند
را پرستش نمی‌کنند، سرزنش
نموده و به آنها یادآوری
می‌کند که اگر از کارهای
نادرست توبه نکنند، مورد
تنبيه خداوند قرار خواهند

گرفت.

در آخر کتاب، ملاکی از
آمدن مسیح موعود خبر
می‌دهد و به مردم خاطرنشان
می‌کند که خداوند به فکر
آنهاست.

با به پایان رسیدن کتاب
ملاکی، عهد عتیق
کتاب مقدس نیز به پایان

می‌رسد.

جهان بعد از ملاکی نبی،
چهار صد سال در خاموشی
یعنی بدون کدام پیامی از انبیا
به آمدن مسیح موعود در
انتظار ماند. در پایان سکوت
چهار صد ساله، یحیای نبی
ظاهر می‌شود و عیسای مسیح
را به حیث بره‌ای که برای
آمرزش گناهان همهٔ مردم

قربانی می‌شود، به مردم
معرفی می‌کند.

فهرست موضوعات

گناهان اسرائیل: فصل ۱:

۱ - ۲ : ۱۶

داوری خدا و وعده

رحمت: فصل ۲ : ۱۷ - ۴:

۶

① کلام خداوند دربارهٔ

اسرائیل از طریق ملاکی نبی.

محبت خداوند به اسرائیل

②-۳ خداوند می‌فرماید:

«من شما را همیشه دوست

داشته‌ام.» اما شما می‌پرسید:

«تو ما را چطور دوست

داشته‌ای؟» خداوند در

جواب می‌فرماید: «عیسو و

یعقوب دو برادر بودند. من از

عیسو نفرت داشتم. سرزمین
کوهستانی او را ویران کردم و
آنجا را لانهٔ شغالها ساختم،
ولی جد شما یعقوب را
دوست داشتم.» ^۴ شاید
ادومیان که اولادهٔ عیسو
هستند، بگویند: «شهرهای ما
ویران شده‌اند و ما می‌رویم
آنها را دوباره آباد می‌کنیم.»
اما خداوند قادر مطلق

می‌فرماید: «اگر آنها شهرهای
خود را آباد کنند، من همه را
دوباره ویران می‌سازم.
سرزمین آنها «سرزمین
شرارت» و خودشان «مردمی
که خداوند تا ابد بر آنها
خشمگین می‌باشد» نامیده
می‌شوند.» ⑤ ای قوم
اسرائیل، وقتی شما همهٔ اینها
را به چشم خود ببینید،

خواهید گفت: «بزرگی و
عظمت خداوند در آنسوی
سرحدات اسرائیل هم
مشاهده می شود.»

فساد کاهنان

⑥ خداوند قادر مطلق به

کاهنان می فرماید: «پسر، پدر
خود را و غلام، آقای خود را
احترام می کند، پس اگر من
پدر شما هستم، چرا به من

احترام ندارید؟ اگر من سرور
شما هستم، عزت من
کجاست؟ ای کاهنان، شما
نام مرا بی حرمت ساخته‌اید و
می‌گویید: «ما چطور نام تو
را بی حرمت کرده‌ایم؟» (۷)
وقتی که شما قربانی‌های
نجس را بر قربانگاه من
می‌گذارید، نام مرا بی حرمت
می‌سازید. بلی، با این کار

خود، شما به قربانگاه من
بی احترامی می کنید. ⑧ آیا
این کار شما زشت نیست که
یک حیوان کور و لنگ و
بیمار را برای من قربانی
می کنید؟ اگر آن را به
حاکم تان هدیه بدهید، آیا او
آن را قبول می کند و از شما
راضی و خوشنود می شود؟»

⑨ حالا شما کاهنان توقع

دارید که خدا بر شما رحم
کند و شما را از فیض خود
بهره‌مند سازد. اما دعای شما
قبول نمی‌گردد و خداوند قادر
مطلق می‌فرماید که تقصیر از
خود شماست. ⑩ ای کاش
یکی از شما کاهنان دروازه
عبادتگاه مرا ببندد تا کسی
نتواند آتشی بر قربانگاه من
بیفروزد. من از شما راضی

نیستم و قربانی‌های شما را
نمی‌پسندم. ⑪ از طلوع
آفتاب تا غروب آن، نام من
در سراسر روی زمین و در
بین تمام قومهای جهان با
احترام و عزت یاد می‌شود و
مردمان دیگر برای من
خوشبویی دود می‌کنند،
قربانی تقدیم می‌نمایند و به
نام من احترام می‌گذارند ⑫

اما شما نام مرا بی حرمت
می سازید، زیرا می گوید که
دسترخوان من نجس بوده و
غذای آن ناپاک است. (۱۳)

خداوند قادر مطلق

می فرماید: «شما می گوید
خدمتی که برای من می کنید
خسته کننده است، ولی شما به
نام من اهانت می کنید، زیرا
شما حیواناتی را که به زور از

مردم گرفته‌اید و آنهایی را که
لنگ یا بیماراند، به عنوان
قربانی برای من می‌آورید! آیا
فکر می‌کنید که من آنها را
می‌پذیرم؟ (۱۴) لعنت بر آن
کسی که مرا فریب بدهد،
یعنی وعده کند که برای من
قوچ سالمی را از گلهٔ خود
قربانی کند و بازهم برود و
حیوان معیوب را به عنوان

قربانی برای من بیاورد. من
پادشاه عظیم هستم و نام من
در بین قومهای جهان با
عزت و احترام یاد می شود.»
هشدار به کاهنان

① خداوند قادر مطلق به
کاهنان می فرماید: ② «اگر
به کلام من گوش ندهید و از
صمیم دل به نام من احترام
نکنید، پس من به جای این

که شما را برکت بدهم، لعنت
می‌کنم و در حقیقت از همین
حالا مورد لعنت من قرار
دارید، زیرا شما کلام مرا در
دل‌های‌تان نمی‌پذیرید. (۳) من
فرزندان‌تان را تنبیه می‌کنم، به
روی‌تان سرگین حیوانات را
می‌پاشم و شما را از حضور
خود می‌رانم. (۴) آنگاه
خواهید دانست که من این

فرمان را به شما دادم تا
پیمانی را که با جدتان، لاوی
بسته بودم، پابرجا بماند.

⑤ در پیمان خود ذکر

کرده بودم که به آنها حیات و
آرامش می‌بخشم و آن کار را
هم کردم تا آنها نیز به نام من
احترأ کنند و از من بترسند.

⑥ آنها حقیقت و راستی را به
مردم تعلیم دادند و از

زبان‌شان حرف غلط شنیده
نشد. آنها در راه من قدم
برداشتند و از طریق راستی
انحراف نکردند. ⑦ چون
کاهنان سخنگوی من،
خداوند قادر مطلق هستند
باید به مردم حقیقت و
معرفت را تعلیم بدهند تا
مردم طریق راستی را
بیاموزند. ⑧ اما شما از راه

راست انحراف کردید و با
تعالیم غلطتان باعث لغزش
بسیاری از مردم شدید. شما
پیمانی را که با جدتان بسته
بودم، شکستید. ⑨ بنا برین،
من شما را در نظر مردم خوار
و حقیر می‌سازم، زیرا شما
احکام مرا نمی‌پذیرید، در
تعالیمتان عدالت را رعایت
نمی‌کنید و بین مردم تبعیض

قائل می شوید.»

از دواج و وفاداری نشانه عهد و
پیمان خدا

⑩ آیا همه ما از یک پدر

نیستیم؟ آیا همه ما را خدا

نیافریده است؟ پس چرا به

یکدیگر خیانت می کنیم و

پیمانی را که خدا با اجداد ما

بست، می شکنیم؟ ⑪ مردم

یهودا خیانت کردند و در

اورشلیم و شهرهای یهودا
مرتکب اعمال زشت شدند.
مردم یهودا عبادتگاه محبوب
خداوند را بی حرمت ساختند
و با دختران بُت پرست
ازدواج کردند. (۱۲) خداوند
همه کسانی را که این کارها
را کرده‌اند از بین قوم برگزیده
خود، اسرائیل، دور کند و
نگذارد که دیگر با مردمی که

برای خداوند قادر مطلق
قربانی می‌آورند، یکجا شوند.

⑬ کار دیگری که می‌کنید

این است: شما قربانگاه
خداوند را از اشکهای تان پُر

می‌سازید و ناله و زاری

می‌کنید، زیرا او دیگر

قربانی‌هایی را که شما

می‌آورید، نمی‌پذیرد. ⑭

می‌پرسید: «چرا او

قربانی‌های ما را قبول
نمی‌کند؟» به‌خاطری که شما
به همسرتان که در جوانی با
او پیوند وفاداری بسته بودید،
خیانت کردید و خدا شاهد
کردارتان بود. ۱۵ آیا خدا
شما را یک تن نساخت؟ آیا
شما در جسم و روح یک
نیستید؟ خدا از شما چه توقع
دارد؟ او می‌خواهد که

فرزندان راستکار و خداشناس
داشته باشید. پس حالا
مواظب باشید که به همسران
خیانت نکنید.

①۶ خداوند، خدای

اسرائیل می‌فرماید: «من از
طلاق نفرت دارم و
نمی‌خواهم که کسی در حق
زن خود ظلم کند. پس
مواظب خود باشید و خیانت

نکنید.»

روز داوری نزدیک است

①۷ شما با سخنان تان

خداوند را خسته ساخته‌اید و

باز هم می‌گویید: «چگونه او

را خسته ساخته‌ایم؟» با این

سخنان تان او را خسته

می‌سازید که می‌گویید:

«خداوند قادر مطلق از

کسانی که کارهای بد می‌کنند

راضی است و آنها را دوست
دارد.» یا می‌گویید:
«کارهای خدا عادلانه
نیستند.»

① خداوند قادر مطلق در
جواب می‌فرماید: «من قاصد
خود را می‌فرستم تا راه را
برای من آماده سازد. بعد
خداوندی که منتظرش
هستید، ناگهان به عبادتگاه

خود می آید. آن قاصدی که
مشتاق دیدارش هستید،
می آید و پیمان مرا به شما
اعلام می کند.»

② اما چه کسی می تواند
طاقة آن روز را داشته باشد؟
وقتی او می آید، کیست که
بتواند با او روبرو شود؟ او
مانند آتشی است که فلز را
تصفیه می کند و مانند صابونی

است که همه چیز را پاک
می سازد. (۳) او مانند کسی که
نقره را صاف می کند، کاهنان
را مانند طلا و نقره پاک
می سازد تا آنها با دل صاف
هدیه های خود را به خداوند
تقدیم کنند. (۴) آن وقت
هدیه های مردم یهودا و
اورشلیم مانند سالهای گذشته
مورد پسند خداوند واقع

می‌شوند.

⑤ خداوند قادر مطلق

می‌فرماید: «آنگاه من برای

داوری نزد شما می‌آیم. بر

ضد جادوگران، زناکاران،

کسانی که قسم ناحق

می‌خورند، آنهایی که در مزد

کارگران تقلب می‌کنند،

اشخاصی که در حق بیوه‌زنان

و یتیمان و بیگانه‌گان ظلم

می‌کنند و از من نمی‌ترسند،
شهادت می‌دهم.»

دزدی کردن از خداوند

⑥ خداوند قادر مطلق

می‌فرماید: «من خداوندِ

تغییرناپذیر هستم. به همین

دلیل است که شما، ای اولادۀ

یعقوب، از بین نرفته‌اید. ⑦

شما هم مانند پدران‌تان از

احکام من سرپیچی کرده و

آنها را بجا نیاورده‌اید، ولی
حالا وقت آن است که
به‌سوی من برگردید تا شما را
ببخشم. شما می‌پرسید:
چگونه به‌سوی تو برگردیم؟
⑧ آیا کسی می‌تواند از خدا
دزدی کند؟ ولی شما از من
دزدی کرده‌اید و می‌گویید: ما
چگونه از تو دزدی کرده‌ایم؟
شما در پرداخت دهیک

دارایی و هدیه‌هایی که برای
م می‌آورید تقلب می‌کنید.

⑨ شما همه زیر لعنت

هستید، زیرا از من دزدی

می‌کنید. ⑩ ده فیصد

دارایی‌تان را به طور کامل به

خزانهٔ عبادتگاه من بیاورید تا

برای کاهنان خوراک کافی

موجود باشد. به این ترتیب

مرا امتحان کنید و ببینید که

چطور روزنه‌های آسمان را
باز می‌کنم و شما را از نعمتها
و برکت‌های فراوان خود
برخوردار می‌سازم. (۱۱) آنگاه
من ملخها و بلاها را از
کشورتان دور می‌کنم تا
محصول زمین شما ضایع
نشود و تا کستانهای تان
بی‌حاصل نگردند. (۱۲) ملت‌های
دیگر شما را خوشحال و

کامیاب می خوانند و
کشورتان یک سرزمین با ثمر
می شود.»

کتاب یادگاری برای اشخاص
وفادار به خداوند

⑬ خداوند می فرماید:

«شما بر ضد من سخنان

زشت گفته اید.» ولی شما

می پرسید: «ما بر ضد تو چه

گفته ایم؟» ⑭ شما گفته اید:

«عبادت خدا بی فایده است.
چرا ما همیشه از احکام او
پیروی کنیم و یا با غم و
اندوه برای بخشش به حضور
خداوند قدر مطلق برویم؟
①۵ ببینید که مردم خودخواه
و متکبر چطور خوشبخت
زندگی می کنند، اشخاص
بدکار کامیاب و سعادتمند
می شوند و از مجازات نجات

می‌یابند.»

①۶ آنگاه کسانی که به

خداوند احترام داشتند با
یکدیگر به گفتگو پرداختند.
خداوند به سخنان آنها گوش
داد و همه را شنید. سپس در
کتاب یادگاری که در حضور
خداوند بود، نامهای همه
کسانی که به نام خداوند
احترام داشتند، نوشته شدند.

﴿۱۷﴾ خداوند قادر مطلق

می‌فرماید: «در آن روز معین،
اینها قوم خاص من خواهند
بود و مانند پدری که به فرزند
فرمانبردار خود رحم و شفقت
نشان می‌دهند، من هم بر آنها
رحم می‌کنم. ﴿۱۸﴾ آنگاه قوم
برگزیده من می‌توانند مردم
خوب و بد، اشخاص
خداشناس و آنهایی را که

بنده‌گی مرا نمی‌کنند، از هم
تشخیص بدهند.»

روز داوری خداوند فرامی‌رسد

① خداوند قادر مطلق

می‌فرماید: «اینک روز

داوری من مانند تنور شعله‌ور

فرامی‌رسد و همهٔ اشخاص

متکبر و شریر را مانند گاه

می‌سوزاند و آنها طوری

می‌سوزند که هیچ اثری از

ایشان باقی نمی ماند. ۲ اما
برای شما که از نام من
می ترسید، آفتاب عدالت من
با نور شِفا بخش خود طلوع
می کند. شما مانند گوساله ها
از خوشی جست و خیز
می زنید. ۳ در آن روز معین،
مردم بدکار را مانند خاکستر
در زیر کف پاهای تان
لگد مال می کنید.

④ تعالیم، فرایض و

احکامی را که بر کوه سینا
توسط خادم خود، موسی به
همه قوم اسرائیل دادم،
فراموش نکنید.

⑤ قبل از فرارسیدن آن

روز عظیم و ترسناک که روز
داوری خداوند است، من
ایلیای نبی را نزد شما

می‌فرستم. ⑥ او دل‌های پدران

را به‌سوی فرزندان و دل‌های
فرزندان را به‌سوی پدران
مایل می‌سازد تا مبادا من
سرزمین شما را با نفرین خود
ویران کنم.»